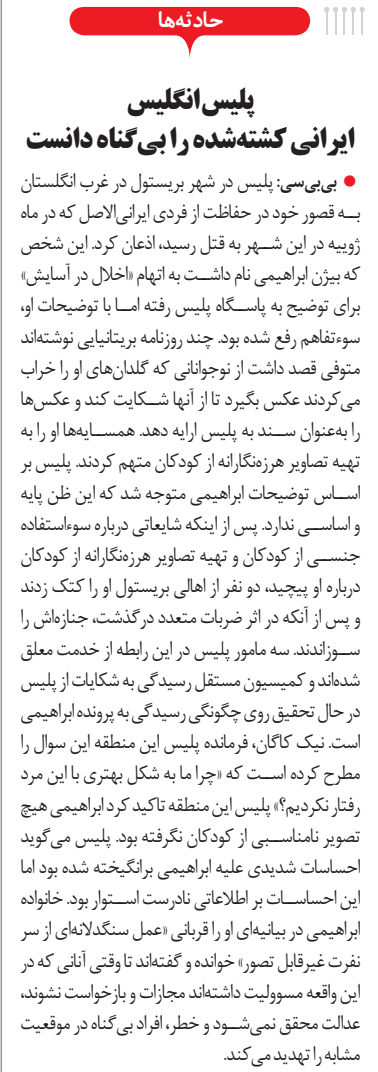




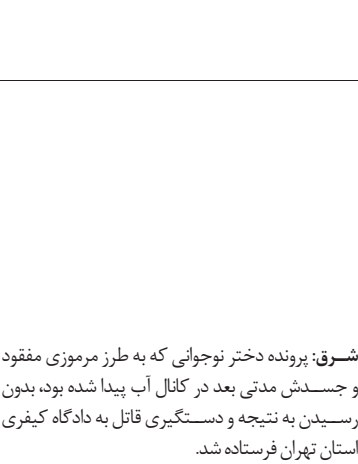
● توسعه‌یافتگی دارای مفهوم کمی و کیفی است و اگر نتوان در فرآیند توسعه آسیب‌ها و مسایل اجتماعی به‌ویژه جرایم را کنترل کرد و آمار آنها را کاهش داد، اساسا می‌توان گفت توسعه‌ای اتفاق نیفتاده است. قاعدتا آنچه از توسعه برداشت می‌شود و انتظار می‌رود این است که کاهش آسیب‌ها و مسایل اجتماعی را همراه داشته باشد. توسعه به تحولات اجتماعی نیاز دارد و البته این تحولات دگر دسی در آسیب‌های اجتماعی را ایجاد می‌کند. به‌عنوان مثال زمانی‌که اینترنت وارد جامعه شد در ابتدا به‌تنهایی به‌عنوان شاخص توسعه محسوب می‌شد اما جرایم اینترنتی را همراه خود آورد و به این ترتیب دگر دسی‌ای که در جامعه اتفاق افتاد باعث تغییراتی در شکل و تنوع جرایم و تعداد آنها می‌شود. روناق بهرهمندی از تکنولوژی، سلامت، آموزش، بهداشت و درمان شاخص‌هایی هستند که در رشد توسعه تاثیر دارند از طرفی همین شاخص‌ها می‌توان در کاهش یا افزایش جرایم موثر دانست. در این میان ممکن است بعضی از جرایم از دور خارج و جرایم جدیدی جایگزین آنها شوند. به بیان دیگر می‌توان گفت اینترنت با ابزار دیگر محصول توسعه صنعتی است ولی به‌دلیل اینکه توسعه فرهنگی همراه با ورود تکنولوژی صورت نگرفته است از آن ابزار استفاده سوء می‌شود. بنابراین لازم است به توسعه فرهنگی به‌عنوان ریشه تحولات اجتماعی توجه ویژه‌ای شود. توسعه فرهنگی مبتنی بر این است که برنامه‌هایی اجرا و آموزش‌هایی ارائه شود تا انسان‌ها برای آرمان‌ها، اهداف و آبندایی که قرار است به آن رسید، آماده شوند. در توسعه صنعتی دستاوردها مانا و پایدار نیستند و دچار دگرگونی می‌شوند اما توسعه فرهنگی روی افراد تمرکز می‌کند و انسان‌هایی مانا و پایدار را برای آینده می‌سازد. طبق آنچه گفته شد لازم است آموزش‌هایی همراه ورود تکنولوژی وارد جامعه شود و اگر یک تکنولوژی با ویژگی‌های فرهنگی کشوری همگون نیست باید به ریشه‌های فرهنگی که می‌تواند در برابر آن مقاومت کند یا هموار کردن مسیر فراگیرسازی آن توجه شود بنابراین آموزش برای فرهنگ‌سازی و جلوگیری از استفاده سوء از تکنولوژی و وقوع جرایم اهمیت ویژه‌ای دارد.

تکنولوژی و وقوع جرایم اهمیت ویژه‌ای دارد.



دستگیری وکیل قلابی

● **فارس:** شخصی که با معرفی خود به‌عنوان وکیل از مردم کلاهبرداری می‌کرد، دستگیری شد. مسعود ولایتی، دادستان عمومی و انقلاب کهنوج اظهار کرد: شخصی با حضور در اطراف دادسرا و دادگستری کهنوج خود را وکیل دادگستری معرفی و از خانواده و اطرافیان زندانیان میبایلی را برای آزادی آنها دریافت کرده است. وی بیان کرد: متهم پس از دستگیری و انجام تحقیقات با قرار بازداشت موقت روانه زندان شد. دادستان کهنوج با اشاره به اینکه این متهم در زندان نیز خود را وکیل یا کارمند دادگستری معرفی کرد، گفت: متهم در زندان با وعده‌های دروغین به زندانیان ادعا می‌کرد می‌تواند در پرونده‌ها اعمال نفوذ کند. ولایتی خاطرنشان کرد:قبلا توسط حفاظت و اطلاعات دادگستری به این فرد بارها تذکر داده شده بود، اما با این وجود متهم مذکور به اعمال مجرمانه خود ادامه داد. وی گفت: پرونده متهم در شعبه اول دایدرای این دادسرا مطرح و در حال رسیدگی است.

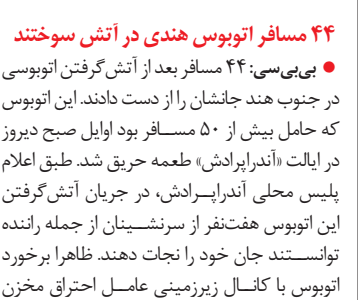


به گزارش خبرنگار ما، زن و شوهری آخرین روز آبان سال گذشته به پلیس خبر دادند دختر ۱۱ساله‌شان که «شیده» نام دارد گم شده است. مادر این دختر به پلیس گفت: «شیده برای رفتن به کلاس زبان از خانه خارج شد و دیگر برنگشت. وقتی نیامد با موسسه تماس گرفتیم اما جواب نمی‌دهد و من از او خبر ندارم و نمی‌دانم چه اتفاقی برای او افتاده است.» در حالی که تحقیقات ماموران آغاز شده بود، پدر شیده با پلیس تماس گرفت و گفت از شماره‌ای غریبه چندین‌بار با او تماس گرفته‌اند اما قطع می‌کنند. در حالی که او شماره‌تلفن را به ماموران داد تا ردیابی کنند تماسی دیگر با این مرد گرفته شد که او را نسبت به زنده‌بودن دخترش امیدوار کرد. در این تماس فردی که مدعی بود شیده را دزدیده از پدر این است به‌صورت ویژه مورد رسیدگی قرار می‌گیرد. به گزارش خبرنگار ما، پرستار بیمارستانی در حاشیه‌تهران، به پلیس یک سال قبل خبر دادند پسر چهارساله‌ای در این بیمارستان جان باخته است. وقتی ماموران به بیمارستان رسیدند متوجه شدند مرگ این کودک بر اثر بیماری نبوده بلکه او به‌طرز فجیعی شکنجه شده است. پرستارانی که او را بستری کرده بودند گفتند جراحتهای عمیقی در اندام این کودک دیده شده که به نظر می‌رسد مرگش به همین دلیل باشد. یکی از پرستاران گفت: وقتی این کودک را به بیمارستان آوردند تقریبا بیهوش بود و وضعیتش داشت. تبش بالا بود بلافاصله او را بستری کردیم وقتی لباس‌های بچه را در آوردیم متوجه شدیم او در قسمت‌های مختلف بدن زخم‌های عمیقی دارد. تلاش ما برای نجات این کودک به نتیجه نرسید.

زنی که این کودک را به بیمارستان رسانده بود بازداشت شد. او گفت کودک را نمی‌شناسد و پرسش موضوع را به او اطلاع داده است. این زن گفت: پسرم جدا از من زندگی می‌کند، او با من تماس گرفت و گفت فرزند یکی از دوستانش پیش او است و بدحال شده زمانی که من به خانه پسرم رفتم و دیدم این بچه تب بالایی دارد او را به بیمارستان رساندم و حتی نمی‌دانم نام این بچه چیست.

وقتی ماموران به خانه مازیار رفتند او تصور نمی‌کرد کودکی که چند روز به امانت پیش او گذاشته شده بود فوت شده باشد. مازیار این موضوع را زمانی فهمید که دستبند ماموران روی دستانش جفت شد و به او گفتند به اتهام کودک‌آزاری و قتل بازداشت است. با انتقال مازیار به اداره آگاهی وی مورد بازجویی قرار گرفت او گفت: آن پسر که اسسمن دانیاال است فرزند یکی از دوستان من است، او برای مدتی پیش من امانت بود مادرش برای سفری رفته و قرار بود چند روزی این کودک پیش من باشد اما من نمی‌توانستم از او نگهداری کنم. از یکی از دوستانم خواستم تا به کمکم بیااید. وقتی که کیان آمد مراقبت از این بچه را با هم انجام می‌دادیم اما حال بچه یکدفعه بد شد من هم با مادرم تماس گرفتم و کمک خواستم مادرم

شرق: پرونده سه مرد که به اسیدپاشی روی پسر۱ جوان متهم هستند در دادگاه کیفری استان فارس در حال رسیدگی است. این پرونده از روز ۳۰ شهریور سال گذشته تشکیل شد. ساعات ۷ صبح آن روز پسر ۱۸ساله‌ای به نام میثم از خانه خود در یکی از روستاهای اطراف داراب به سمت شهر در حرکت بود تا به مدرسه برود اما در میانه راه دو موتورسوار جلوی او را گرفتند و مایعی را روی صورتش پاشیدند. موتورسواران پسرمت سریع‌تر گریختند و میثم که از شدت درد به خود می‌پیچید توسط رهگذران به بیمارستان منتقل شد. پزشکان بعد از معاینه پسر ۱۸ساله تشخیص دادند او مورد اسیدپاشی قرار گرفته است. به این ترتیب درمان میثم در بیمارستان‌های مختلف پیگیری شد. این در حالی بود که پلیس نیز تحقیقاتی را برای شناسایی و دستگیری عاملان اسیدپاشی آغاز کرده بود. پسر ساکن در بازجویی‌های صورت‌گرفته ماجرا را شرح داد و گفت هیچ‌یک از موتورسواران را نمی‌شناسد. با این وجود کارآگاهان شکی نداشتند متهمان قربانی را از پیش می‌شناختند و از ساعات و مسیرهای رفت‌وآمد وی اطلاع داشتند و این جرم را با تیراندازی نیز کشته شد.



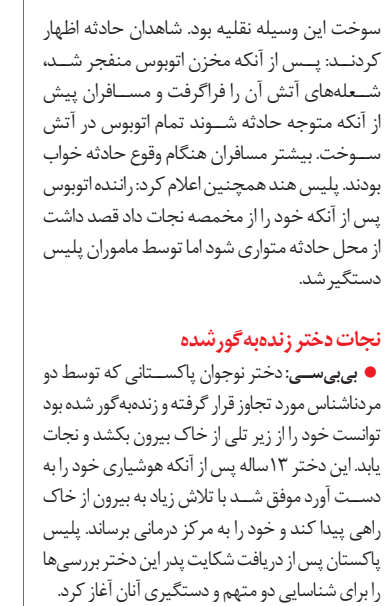
دختر درخواست پنج‌میلیون تومان پول کرد. این تماس به ماموران گزارش داده و مطابق نقشه‌ای که کشیده شد قرار شد پدر شیده همان‌طور که آدم‌ربایان می‌خواهند رفتار کند. او ابتدا به خواسته آدم‌ربایان یکونیم‌میلیون تومان پول به شماره کارتی که داده بودند، واریز کرد. در حالی‌که فرد آدم‌را مدعی بود شیده را به جالوس برده است چند روز بعد جسد این دختر در کانال‌آب در اطراف تهران پیدا شد. پدر و مادر این دختر که در پزشکی‌قانونی حاضر شدند تأیید کردند جسد متعلق به فرزندشان است. با توجه به تماس‌هایی که از سوری فرد مدعی آدم‌ربایی با ماموران گرفته شده بود پلیس روی این شماره‌تلفن‌ها متمرکز و بعد از چند روز جوانی که با پدر شیده تماس گرفته بود بازداشت شد. او قتل این دختر را انکار کرد و گفت از سرنوشت شیده خبری ندارد. این جوان گفت: من و شیده در فیس‌بوک با هم آشنا شده بودیم و من شمارهتلفن شیده را از این طریق به‌دست آوردم. مدتی او را در فیس‌بوک دنبال می‌کردم و مطالبی را که می‌نوشت می‌خواندم. بعد از چند روز که او را در صفحه فیس‌بوکش



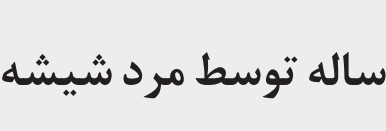
وقتی ماموران به خانه مازیار رفتند او تصور نمی‌کرد کودکی که چند روز به امانت پیش او گذاشته شده بود فوت شده باشد. مازیار این موضوع را زمانی فهمید که دستبند ماموران روی دستانش جفت شد و به او گفتند به اتهام کودک‌آزاری و قتل بازداشت است. با انتقال مازیار به اداره آگاهی وی مورد بازجویی قرار گرفت او گفت: آن پسر که اسسمن دانیاال است فرزند یکی از دوستان من است، او برای مدتی پیش من امانت بود مادرش برای سفری رفته و قرار بود چند روزی این کودک پیش من باشد اما من نمی‌توانستم از او نگهداری کنم. از یکی از دوستانم خواستم تا به کمکم بیااید. وقتی که کیان آمد مراقبت از این بچه را با هم انجام می‌دادیم اما حال بچه یکدفعه بد شد من هم با مادرم تماس گرفتم و کمک خواستم مادرم



پس از آنکه خود را از مخمصه نجات داد قصد داشت از محل جرم نجات بیابد. پس از آنکه خود را از مخمصه نجات داد قصد داشت از محل جرم نجات بیابد. پس از آنکه خود را از مخمصه نجات داد قصد داشت از محل جرم نجات بیابد.



دختر درخواست پنج‌میلیون تومان پول کرد. این تماس به ماموران گزارش داده و مطابق نقشه‌ای که کشیده شد قرار شد پدر شیده همان‌طور که آدم‌ربایان می‌خواهند رفتار کند. او ابتدا به خواسته آدم‌ربایان یکونیم‌میلیون تومان پول به شماره کارتی که داده بودند، واریز کرد. در حالی‌که فرد آدم‌را مدعی بود شیده را به جالوس برده است چند روز بعد جسد این دختر در کانال‌آب در اطراف تهران پیدا شد. پدر و مادر این دختر که در پزشکی‌قانونی حاضر شدند تأیید کردند جسد متعلق به فرزندشان است. با توجه به تماس‌هایی که از سوری فرد مدعی آدم‌ربایی با ماموران گرفته شده بود پلیس روی این شماره‌تلفن‌ها متمرکز و بعد از چند روز جوانی که با پدر شیده تماس گرفته بود بازداشت شد. او قتل این دختر را انکار کرد و گفت از سرنوشت شیده خبری ندارد. این جوان گفت: من و شیده در فیس‌بوک با هم آشنا شده بودیم و من شمارهتلفن شیده را از این طریق به‌دست آوردم. مدتی او را در فیس‌بوک دنبال می‌کردم و مطالبی را که می‌نوشت می‌خواندم. بعد از چند روز که او را در صفحه فیس‌بوکش



خله من آورد و خواست برای چند روزی فرزندش را نگهداری کنم قبول کردم، فکر می‌کردم از عهده این کار برمی‌آیم نمی‌دانستم چندر سخت است با دوستم هم تماس گرفتم و گفتیم بیاید ما نمی‌توانستیم این بچه را نگهداری کنیم و او مرتب خودش را کتیف می‌کرد وقتی نتوانستیم کاری نکنیم تصمیم گرفتیم او را کتک زنیم و اذیتش کنیم شاید به حرفمان گوش دهد. او در مورد تجاوزهایی که به کودک شده بود هم گفت: احتمالا وقتی مواد مصرف کرده بودم این‌کار را کردم و از کرده خودم شیمان هستم. آنچه مازیار اعتراف کرد همه واقعیت زندگی دانیال نبود. پلیس در گام بعدی، تحقیقات موطع را در مورد مادر این کودک آغاز کرد. این زن وقتی از مرگ فرزندش مطلع شد از مازیار اعلام شکایت کرد. او درباره زندگی خودش و پدر دانیال گفت: من زن تنهایی بودم و هرچند وقت یکبار با مردی زندگی می‌کردم. با پدر دانیال هم به‌صورت سیغه‌ای ازدواج کرده بودم ما چندماه بیشتر سیغه هم نبودیم و بعد از پایان سیغه و جداشدن از هم بود که فهمیدم دانیال را باردار هستم. وقتی بچه به‌دنیا آمد به‌دلیل اینکه پدرش معتاد بود بچه را پیش خودم نگهداری کردم، من دانیال به‌خوبی مراقبت می‌کردم. در این مدت که تنها بودم با مازیار آشنا شدم و مدتی هم با او رابطه داشتم و اصلا دانیال را اذیت نمی‌کردم اما بعد از مدتی از مازیار هم جدا شدم و با مرد دیگری رابطه برقرار کردم، این مرد گفت حاضر است با من ازدواج کند. اگر این اتفاق می‌افتاد من از تنهایی و بی‌کسی نجات پیدا می‌کردم. قرار شد قبل از ازدواجمن به مسافرتی بروم تا بیشتر همدیگر را بشناسیم. از آنجایی که فکر می‌کردم مازیار با دانیال خوش‌فقار است از مازیار خواستم چند روزی از پسرم نگهداری کند. نمی‌دانستم این بلا را سر پسرم می‌آورد و او را فر می‌کشد هربار که با مازیار تماس می‌گرفتم می‌گفت حال دانیال خوب است.

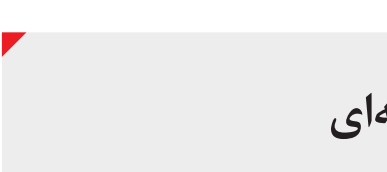
پرونده پس از اعلام شکایات سازان و تکمیل تحقیقات با صدور کيفرخواست علیه مازیار به شعبه ۷۱ دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد. این پرونده با توجه به ابعاد فجیع آن به دستور رییس مجتمع دادگاه کیفری استان تهران به‌صورت ویژه مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت.

او را به بیمارستان رساند و بعد هم بچه فوت کرد.

این در حالی بود که گزارش پزشکی قانونی نشان می‌داد دانیال قبل از مرگش بهشدت شکنجه شده است. در این گزارش آمده بود، دانیال کودک چهارساله، دچار پارگی‌ها و زخم‌های عمیقی در قسمت‌های مختلف بدن شده و آثار ضرب‌وجرح وجود دارد و بهنظر می‌رسد از چند روز قبل از مرگش به شدت تحت شکنجه بوده است. با اعلام این نظر مازیار یکبار دیگر مورد بازجویی قرار گرفت، او این‌بار اتهام را قبول کرد و گفت: من معتاد به شیشه هستم. وقتی مواد مصرف می‌کردم دیگر اختیاری از خودم نداشتیم، وقتی سازان مادر دانیال او را به

او را به بیمارستان رساند و بعد هم بچه فوت کرد.

این در حالی بود که گزارش پزشکی قانونی نشان می‌داد دانیال قبل از مرگش بهشدت شکنجه شده است. در این گزارش آمده بود، دانیال کودک چهارساله، دچار پارگی‌ها و زخم‌های عمیقی در قسمت‌های مختلف بدن شده و آثار ضرب‌وجرح وجود دارد و بهنظر می‌رسد از چند روز قبل از مرگش به شدت تحت شکنجه بوده است. با اعلام این نظر مازیار یکبار دیگر مورد بازجویی قرار گرفت، او این‌بار اتهام را قبول کرد و گفت: من معتاد به شیشه هستم. وقتی مواد مصرف می‌کردم دیگر اختیاری از خودم نداشتیم، وقتی سازان مادر دانیال او را به

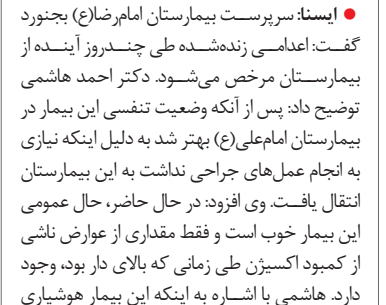


که پزشکی قانونی اعلام کرد از آنجایی که جسد شیده چندین‌روز در کانال آب مانده است بنابراین نمی‌توان علت دقیق مرگ را مشخص کرد اما این مرگ می‌تواند ناشی از غرق‌شدگی باشد چراکه در ریه‌های این دختر آب جمع شده بود. همچنین پزشکی‌قانونی در گزارش خود اضافه کرد ضربه‌ای نیز به سر مقتول برخورد کرده است و این احتمال نیز وجود دارد که او ابتدا با این ضربه بیهوش و سپس به کانال آب انداخته شده باشد یا اینکه او به داخل کانال آب پرت شده و با هم کار کنیم. وقتی فهمیدم شیده گم شده است فکر کردم این بهترین فرصت است تا پول را از پدر این دختر بگیرم. بازجویی‌های ماموران از این جوان درخصوص مرگ شیده به جایی نرسید و سؤالات بی‌پاسخ زیادی در پرونده باقی ماند. از جمله اینکه اولین شماره‌ای که از آن با پدر شیده تماس گرفته می‌شد متعلق به چه کسی بود و آیا این جوان درباره نحوه به‌دست‌آوردن شمارهتلفن پدر شیده درست گفته است یا نه. با این حال چون مدارک کافی نبود، بازپرس این جوان را با قید کفالت آزاد کرد. این در حالی بود

با همدستی مردی دیگر روی صورت میثم اسید پاشیم البته من فقط راننده موتور بودم و اسید را همدستم روی صورت این جوان ریختم.» کارآگاهان در ادامه تلاش برای رازگشایی از این پرونده به ردیابی پدر دوم پرداختند و متوجه شدند او در کرچ سکونت دارد. آنها با گرفتن نیابت قضایی به این شهرستان رفتند و متهم اصلی را نیز بازداشت کردند. وی وقتی فهمید اسرارش برملا شده است ضمن پذیرفتن اتهام خود تأکید کرد هادی او را اجیر کرده بود. به این ترتیب هادی نیز بازداشت شد و در اعترافاتش گفت به دلیل مسایل اخلاقی از میثم کینه به دل گرفته بود و به همین سبب مشم شد از او انتقام بگیرد. این پرونده بعد از اتمام تحقیقات مقدماتی در اختیار قضات دادگاه کیفری استان فارس قرار گرفت. میثم که از ناحیه دست، صورت، کمر، شکم، گردن، سینه و لاله گوش دچار جراحات شده بود، در جلسه دادگاه خواستار صدور حکم قصاص عضو شد و متهمان نیز توضیحاتی را ارائه دادند اما ادامه رسیدگی به پرونده برای بررسی امکان قصاص عضو به آینده موکول شد.



ایستا: سرپرست بیمارستان امام‌زراع) بختورده گفت: اعدامی زنده‌شده طی چندروز آینده از بیمارستان مرخص می‌شود. دکتر احمد هاشمی توضیح داد: پس از آنکه وضعیت تنفسی این بیمار در بیمارستان امام‌علی(ع) بهتر شد به دلیل اینکه نیازی به انجام عمل‌های جراحی نداشت به این بیمارستان انتقال یافت. وی افزود: در حال حاضر، حال عمومی این بیمار خوب است و فقط مقداری از عوارض ناشی از کمبود اکسیژن طی زمانی که بالای دار بود، وجود دارد. هاشمی با اشاره به اینکه این بیمار هوشیاری خود را به‌طور کامل به دست آورده است، ادامه داد: به‌علت عوارض ناشی از دار، تارهای صوتی دچار عوارض شده و هم‌اکنون بیمار قادر به تکلم واضح نیست. در همین حال احمد شجاعی، رییس سازمان پزشکی‌قانونی کشور گفت: در موضوع زنده‌شدن اعدامی بختوردی، پزشکی‌قانونی هیچ‌قضوری نداشتند است. وی توضیح داد: مرگ دارای علایمی است که وقتی پزشک این علایم را مشاهده کرد، مرگ را اعلام می‌کند. سیامتشن چهار، روزنامه‌نیش و... را می‌توان از نشانه‌های مرگ عنوان کرد. وی ادامه داد: پزشکی‌قانونی فرد مذکور را معاینه و تمام علایم مرگ را در او مشاهده و از لحاظ علمی وی را مرده اعلام کرد. در بیمارستان‌ها نیز ممکن است این اتفاق بیفتد که بیمار علایم حیاتی‌اش از بین برود و به سردخانه منتقل و پس از آن علایم حیات در او دیده شود. شجاعی خاطرنشان کرد: در مواقعی که ضربان قلب ضعیف باشد و با دستگاه‌ها قابل تشخیص نباشد این امکان وجود دارد که بیمار مرده تشخیص داده شود. قضوری از سوی پزشکی‌قانونی مبنی بر اینکه فرد پس از اعدام زنده شده، وجود ندارد چراکه وی علایم حیات نداشت و احتمالا ضربان قلبش ضعیف بود.



● **بی‌بی‌سی:** پلیس در شهر بریستول در غرب انگلستان به‌قصور خود در حفاظت از فردی ایرانی‌الصل که در ماه ژوئیه در این شهر به قتل رسید، ادعان کرد. این شخص که بیژن ابراهیمی نام داشت به اتهام اخلاخل در آسایش برای توضیح به پاسکاه پلیس رفته اما با توضیحات او، سوءتفاهم رفع شده بود. چند روزنامه بریتانیایی نوشته‌اند متوفی قصد داشت از نوجوانی که گلدان‌های او را خراب می‌کردند عکس بگیرد تا از آنها شکایت کند و عکس‌ها را به‌عنوان سند به پلیس ارائه دهد. همسایه‌ها او را به تهیه تصاویر هزمنگانه از کودکان متهم کردند. پلیس بر اساس توضیحات ابراهیمی متوجه شد که این ظن پایه و اساسی ندارد. پس از اینکه شایعاتی درباره سوءاستفاده جنسی از کودکان و تهیه تصاویر هزمنگانه از کودکان درباره او، پیچیده دو نفر از اهالی بریستول او را کتک زدند و پس از آنکه در اثر ضربات متعدد درگذشت، جنازش را سوزاندند. سه مامور پلیس در این رابطه از خدمت معلق شده‌اند و کمیسیون مستقل رسیدگی به شکایات از پلیس در حال تحقیق روی چگونگی رسیدگی به پرونده ابراهیمی است. نیک کاکان، فرمانده پلیس این منطقه این سوال را مطرح کرده است که «چرا ما به شکل بهتری با این مرد رفتار نکردیم؟» پلیس این منطقه تأکید کرد ابراهیمی هیچ تصویر نامناسبی از کودکان نگرفته بود. پلیس می‌گوید احساسات شدیدی علیه ابراهیمی برانگیخته شده بود اما این احساسات بر اطلاعاتی نادرست استوار بود. خانواده ابراهیمی در بیانیه‌ای او را قربانی «عمل سنگدلانه‌ای از سر نفرت غیرقابل تصور» خوانده و گفته‌اند تا وقتی آن‌تی که در این واقعه مسؤولیت داشته‌اند مجازات و بازخواست نشوند، عدالت محقق نمی‌شود و خطر، افراد بی‌گناه در موقعیت مشابه را تهدید می‌کند.

● **بی‌بی‌سی:** پلیس در شهر بریستول در غرب انگلستان به‌قصور خود در حفاظت از فردی ایرانی‌الصل که در ماه ژوئیه در این شهر به قتل رسید، ادعان کرد. این شخص که بیژن ابراهیمی نام داشت به اتهام اخلاخل در آسایش برای توضیح به پاسکاه پلیس رفته اما با توضیحات او، سوءتفاهم رفع شده بود. چند روزنامه بریتانیایی نوشته‌اند متوفی قصد داشت از نوجوانی که گلدان‌های او را خراب می‌کردند عکس بگیرد تا از آنها شکایت کند و عکس‌ها را به‌عنوان سند به پلیس ارائه دهد. همسایه‌ها او را به تهیه تصاویر هزمنگانه از کودکان متهم کردند. پلیس بر اساس توضیحات ابراهیمی متوجه شد که این ظن پایه و اساسی ندارد. پس از اینکه شایعاتی درباره سوءاستفاده جنسی از کودکان و تهیه تصاویر هزمنگانه از کودکان درباره او، پیچیده دو نفر از اهالی بریستول او را کتک زدند و پس از آنکه در اثر ضربات متعدد درگذشت، جنازش را سوزاندند. سه مامور پلیس در این رابطه از خدمت معلق شده‌اند و کمیسیون مستقل رسیدگی به شکایات از پلیس در حال تحقیق روی چگونگی رسیدگی به پرونده ابراهیمی است. نیک کاکان، فرمانده پلیس این منطقه این سوال را مطرح کرده است که «چرا ما به شکل بهتری با این مرد رفتار نکردیم؟» پلیس این منطقه تأکید کرد ابراهیمی هیچ تصویر نامناسبی از کودکان نگرفته بود. پلیس می‌گوید احساسات شدیدی علیه ابراهیمی برانگیخته شده بود اما این احساسات بر اطلاعاتی نادرست استوار بود. خانواده ابراهیمی در بیانیه‌ای او را قربانی «عمل سنگدلانه‌ای از سر نفرت غیرقابل تصور» خوانده و گفته‌اند تا وقتی آن‌تی که در این واقعه مسؤولیت داشته‌اند مجازات و بازخواست نشوند، عدالت محقق نمی‌شود و خطر، افراد بی‌گناه در موقعیت مشابه را تهدید می‌کند.

● **بی‌بی‌سی:** پلیس در شهر بریستول در غرب انگلستان به‌قصور خود در حفاظت از فردی ایرانی‌الصل که در ماه ژوئیه در این شهر به قتل رسید، ادعان کرد. این شخص که بیژن ابراهیمی نام داشت به اتهام اخلاخل در آسایش برای توضیح به پاسکاه پلیس رفته اما با توضیحات او، سوءتفاهم رفع شده بود. چند روزنامه بریتانیایی نوشته‌اند متوفی قصد داشت از نوجوانی که گلدان‌های او را خراب می‌کردند عکس بگیرد تا از آنها شکایت کند و عکس‌ها را به‌عنوان سند به پلیس ارائه دهد. همسایه‌ها او را به تهیه تصاویر هزمنگانه از کودکان متهم کردند. پلیس بر اساس توضیحات ابراهیمی متوجه شد که این ظن پایه و اساسی ندارد. پس از اینکه شایعاتی درباره سوءاستفاده جنسی از کودکان و تهیه تصاویر هزمنگانه از کودکان درباره او، پیچیده دو نفر از اهالی بریستول او را کتک زدند و پس از آنکه در اثر ضربات متعدد درگذشت، جنازش را سوزاندند. سه مامور پلیس در این رابطه از خدمت معلق شده‌اند و کمیسیون مستقل رسیدگی به شکایات از پلیس در حال تحقیق روی چگونگی رسیدگی به پرونده ابراهیمی است. نیک کاکان، فرمانده پلیس این منطقه این سوال را مطرح کرده است که «چرا ما به شکل بهتری با این مرد رفتار نکردیم؟» پلیس این منطقه تأکید کرد ابراهیمی هیچ تصویر نامناسبی از کودکان نگرفته بود. پلیس می‌گوید احساسات شدیدی علیه ابراهیمی برانگیخته شده بود اما این احساسات بر اطلاعاتی نادرست استوار بود. خانواده ابراهیمی در بیانیه‌ای او را قربانی «عمل سنگدلانه‌ای از سر نفرت غیرقابل تصور» خوانده و گفته‌اند تا وقتی آن‌تی که در این واقعه مسؤولیت داشته‌اند مجازات و بازخواست نشوند، عدالت محقق نمی‌شود و خطر، افراد بی‌گناه در موقعیت مشابه را تهدید می‌کند.

● **بی‌بی‌سی:** پلیس در شهر بریستول در غرب انگلستان به‌قصور خود در حفاظت از فردی ایرانی‌الصل که در ماه ژوئیه در این شهر به قتل رسید، ادعان کرد. این شخص که بیژن ابراهیمی نام داشت به اتهام اخلاخل در آسایش برای توضیح به پاسکاه پلیس رفته اما با توضیحات او، سوءتفاهم رفع شده بود. چند روزنامه بریتانیایی نوشته‌اند متوفی قصد داشت از نوجوانی که گلدان‌های او را خراب می‌کردند